

# خروس

[دو نمايشنامه]

محمد رحمانيان



انتشارات نیلا



در تاریکی، ترکیبی از صداهای مختلف: صدای یک موسیقی افغانی؛ صدای تغییر موج رادیو؛ صدای گوینده‌ی خبر که از اظهارات کوفی عنان در مورد توافقات نیروهای درگیر افغانستان می‌گوید؛ صدای تغییر موج؛ پارازیت؛ گزارشی از ماه رمضان در کابل؛ صدای قرآن؛ صدای رادیو شریعت؛ پارازیت؛ شرح جلوگیری طالبان از کمک به مردم هزاره‌جات و پنجشیر؛ صدای موسیقی پشتون؛ پیام تسلیت استاد خلیلی به جنرال دوستم؛ صدای پارازیت... و سرانجام، یک موسیقی غمگین افغانی که آوازی آن را همراهی می‌کند.

نور که می‌آید، ماه‌جان را می‌بینیم که میخ و کفش پاشنه‌بلندی — جای چکش — در دست دارد، قفسچه‌ی خروس را تعمیر می‌کند و همراه با آن، آخرین بیت‌های آوازی را که بخش می‌شد، زمزمه می‌کند. پس از چند لحظه، کاکانقش‌بند با کوله‌ی وسایلش وارد می‌شود؛ شاد و سرحال.

کاکا عرض مرام!

ماه‌جان [کفش پاشنه‌بلند را روی انگشتش می‌کوبد] ای گه به گور پدرت!

کاکا [خنده‌اش می‌ماسد] ها؟

ماه‌جان [کفش را با نفرت پرت می‌کند] با تو نیستم، با این سگ پدرم!

کاکا هوی! مگه ارث باباته پرتش می‌کنی؟ هزار افغانی پولش دادم!

نقش‌ها:

ماه‌جان

کاکانقش‌بند

لیلما

سخی داد

مکان:

افغانستان؛ روستایی نام‌افتاده در دره‌ی پنجشیر

زمان:

خزان ۱۳۷۸ خورشیدی